

# ارتباط سبک زندگی اسلامی و تمدن اسلامی

عشرت پرپنچی



## اشاره

بحث درباره سبک زندگی و آداب اسلامی در عرصه زندگی فردی و اجتماعی، از مباحث بسیار ضروری جامعه کنونی ماست. هر جامعه‌ای زمانی می‌تواند محصول و ثمره جهان‌بینی و ایدئولوژی خود را به دیگران نشان دهد که روش زندگی اجتماعی او متناسب با باورها و ارزش‌هایش شکل گرفته باشد. اگر بنا باشد ما در نظم جهان الگوی جدیدی را پی‌ریزی کنیم، باید همان‌طور که می‌اندیشیم، زندگی کنیم. با کمال تأسف، ما نتوانسته‌ایم میان باورهای بنیادین و ارزش‌های اصیل اسلامی از یک‌طرف و سبک زندگی خود در حوزه‌های گوناگون اجتماعی، از طرف دیگر ارتباطی معنادار ایجاد کنیم. روش زندگی ما با آنکه مسلمان هستیم، از آداب و رسوم غیراسلامی

و به معنای دیگر از فرهنگ ضداسلامی متأثر است. غفلت از سبک زندگی می‌تواند خسارات جبران‌ناپذیری بر پیکره جامعه وارد کند. وقتی مردم نتوانند میان شیوه زندگی خود و باورها و ارزش‌هایشان ارتباط برقرار کنند، پس از گذشت زمان، این امکان وجود دارد که از باورها دست بشویند و آن‌ها را ناکارآمد تلقی کنند. این مقاله سعی دارد به رابطه بین سبک زندگی و تمدن اسلامی بپردازد. به این منظور و برای رسیدن به این هدف، به مفاهیمی از قبیل تمدن، تمدن اسلامی، آداب، سبک زندگی، دین و سبک زندگی و رابطه سبک زندگی اسلامی و تمدن اسلامی خواهد پرداخت.

**کلیدواژه‌ها:** تمدن اسلامی، سبک زندگی، آداب، سبک زندگی اسلامی

## دین و سبک زندگی

سبک زندگی فرد و هر جامعه‌ای از نوع باورها (جهان‌بینی) و ارزش‌های (ایدئولوژی) حاکم بر آن فرد و جامعه متأثر است. جهان‌بینی مادی و ارزش‌های لذت‌گرایانه و سودمحورانه به‌طور طبیعی سبک زندگی خاصی را پدید می‌آورند؛ همان‌طور که جهان‌بینی الهی و ارزش‌های کمال‌گرایانه و سعادت‌محورانه سبک خاصی از زندگی را شکل می‌دهند. به تعبیر دیگر، سبک زندگی هر کسی از اهداف یا هدف‌گایی او متأثر است. هدف‌گایی و نهایی هر کسی به‌صورت طبیعی، آداب متناسب با خود را بر فرد الزام می‌کند؛ یعنی الزامات رفتاری و انضباطی خاصی را پدید می‌آورد. کسی که تقرب به خدا و لقاءالله را هدف نهایی خود می‌بیند، همه‌ی شئون زندگی خود، از نماز و عبادت تا کسب و کار، تحصیل، تفریح، معاشرت، بهداشت، خوراک، معماری، هنر، سخن‌گفتن، تولید، مصرف، آراستگی ظاهری و امثال آن را در مسیر این هدف قرار می‌دهد. یعنی به همه‌ی جزئیات زندگی خود، صبغه‌ی الهی می‌بخشد. مسلمان نه فقط در مسجد، که در خانه، بازار، کلاس درس، مدرسه، محل کار و خیابان، نخست به رضای خدا می‌اندیشد (حسین شریفی، ۱۳۹۱: ۳۳).

نوع نگاه انسان به دنیا، در انتخاب سبک زندگی و آداب رفتاری او تأثیر دارد. کسی که این دنیا را جای خوش‌گذرانی و لذت‌جویی می‌بیند، به گونه‌ای زندگی می‌کند و کسی که آن را مزرعه‌ی آخرت و محل آزمایش می‌داند، نوع زیست دیگری برای خود انتخاب می‌کند. بنابراین، نوع زیست ما در دنیا و شیوه‌ی زندگی‌مان به‌طور کامل به نوع نگاهمان به دنیا بستگی دارد. آموزه‌های اسلامی بینشی صحیح و درست از رابطه‌ی دنیا و آخرت به انسان می‌دهد. به همین دلیل، هرگز در کلمات اولیای دین سخنی از نادیده گرفتن دنیا و رها کردن نعمت‌های دنیوی دیده نمی‌شود. بلکه برعکس، دنیا به‌عنوان وسیله‌ای خوب و ارزشمند برای بهره‌مندی از نعمت‌های اخروی معرفی شده است. در جهان‌بینی اسلام، دنیا مرحله‌ی بسیار کوتاه و زودگذری از زندگی انسان به‌شمار می‌رود. به همین دلیل، دل بستن به دنیا و غایت دانستن چنین حیات‌هایی را موجب غفلت از زندگی واقعی می‌داند و چنین وضعیتی

را نکوهش و سرزنش می‌کند. رابطه‌ی انسان و دنیا اگر به‌صورت وابستگی انسان و طفیلی بودنش درآید، موجب محو و نابودی تمام ارزش‌های عالی انسان می‌شود. ارزش انسان به کمال‌های مطلوبی است که جست‌وجو می‌کند (شهید مطهری، ۱۳۹۰).

یکی از مؤلفه‌های مهم سنجش یک دین، کارآمدی آن در مدیریت زندگی فرد و جامعه است و هر مکتب و نحله‌ی فکری در پی این است که خود را کارآمد نشان دهد. از لحاظ روان‌شناسی، انسان طالب رسیدن به چیزی است که نفع او را در پی داشته باشد؛ حتی اموری که از لحاظ نفع معقول، فاقد سود هستند، ولی موجب شادی کاذب و موقت می‌شوند، میل نفع‌طلبی حکم به پیگیری آن‌ها می‌کند. زنده‌یاد علامه طباطبایی این مبحث را با عنوان بحث «استخدام» مطرح می‌کند. یعنی انسان برای رسیدن به مقاصد خود، تمام امکانات و ابزار جهان مادی را به استخدام و خدمت خود می‌گیرد و هدف وی از این کار، به‌دست آوردن نفع و سود شخصی قبل از هر چیز دیگر است. این روحیه باعث می‌شود انسان بیشتر در حالت تهاجم به سر ببرد تا در حالت تعاون. برای مثال، در بحث تمدن و توحش، آدمی وقتی می‌بیند عده‌ای در حال تجاوز از محدوده‌های خاصی هستند، نه برای اینکه مانع طغیان آن‌ها شود، بلکه از این‌رو که خود نیز به عوایدی برسد، دست به وضع قوانین و تمایل برای ایجاد سازوکارهای قانونمند زندگی می‌زند. این ناشی از همان روحیه‌ی استخدام بشر است. بالطبع، این‌گونه انسانی، توحش را بر تمدن می‌پذیرد، ولی نباید پنداشت که قضیه به اینجا ختم می‌شود. چون انسان دارای دو بُعد طبیعی و غریزی (فطری) است. در بعد طبیعت، میل انسان به توحش بیش از تمدن است، والا آدمی فطرتاً به تمدن تمایل دارد. علت میل انسان به استخدام دیگران، رسیدن به اهداف خود است که از همان روحیه‌ی جلب نفع برای خود، ناشی می‌شود. این خصلت باعث می‌شود که انسان هر چه را که به او نفع برساند، برای خود مفید ببیند و هر چه برای افراد جامعه دارای فایده باشد، لزوماً در متن جامعه به‌صورت کارآمد دیده شود. از این جهت، در زمان ما دینی می‌تواند کارآمد محسوب شود

یکی از مؤلفه‌های مهم سنجش یک دین، کارآمدی آن در مدیریت زندگی فرد و جامعه است و هر مکتب و نحله‌ی فکری در پی این است که خود را کارآمد نشان دهد



**مفهوم «سبک زندگی» از جمله مفاهیمی است که پژوهشگران حوزه مطالعات فرهنگی و آن را به کار می‌برند و دامنهٔ به کارگیری آن در ادبیات علوم اجتماعی رواج زیادی یافته است**



که با فطرت پاک بشر تطابق بیشتری داشته باشد؛ چرا که طبیعت بشر دوام و ثبات ندارد و اگر انسان، به سبب عواملی، موقتاً از فطرت خود دور بماند، در مواقع خاصی سرانجام به فطرت خود و نیاز به استخدام دین، رو می‌آورد. کاری که در این بین لازم است انجام شود، ارائهٔ دین به صورت خالص و بدون برداشت‌های غلط است؛ چرا که انسان به دینی میل می‌کند که مطابق فطرتش باشد (حجت‌الاسلام الهی، خردنامهٔ همشهری).

هنگامی که انسان تکلیف و مسئولیت خود را انجام می‌دهد، احساس شادی و آرامش و راحتی ویژه‌ای دارد. اما اگر نتواند به تکلیف خود عمل کند و در اثر کم‌کاری یا ناتوانی از انجام آن باز ماند، احساس غم و سرافکنندگی و شرمنندگی دارد. به همین دلیل، در اندیشهٔ اسلامی گفته شده است، مؤمن زمانی شادمان می‌شود که به تکالیف دینی خود عمل کرده باشد.

امام علی(ع) در این باره می‌فرماید: «سرور المؤمن بطاعة ربه و حزنه علی ذنبه»؛ (عیون‌الحکم و المواعظ، ص ۲۸۶، ش ۵۱۶۴)؛ شادی مؤمن در اطاعت پروردگارش است و اندوهش بر گناهانش است.

### سبک زندگی اسلامی و تمدن اسلامی

اسلام دین حیات است. دین حیات با بی‌خبری و ناتوانی و عجز، ناسازگار است. اسلام کوشش و سعی بلیغ دارد که در تعلیمات خود، سرنوشت انسان را وابسته به عمل او معرفی کند، یعنی انسان را به ارادهٔ خودش متکی کند. اسلام می‌گوید: ای انسان، سعادت تو به عمل تو بستگی دارد. شقاوت تو هم به عمل تو بستگی دارد (شهید مطهری، ۱۳۸۰).

حدیث معروفی است که در کتاب‌های حدیث و غیرحدیث نقل شده و جزو وصایای امام مجتبی(ع) آمده است؛ به این مضمون: «کن لدنیاک کأنک تعیش ابدا و کن لاخرتک کأنک تموت غدا». «برای دنیایت چنان باش که گویی جاویدان خواهی ماند و برای آخرت چنان باش که گویی فردا می‌میری».

با دقت در سبک و روش رسیده از معصومین(ع) در زندگی فردی و اجتماعی، مشاهده می‌کنیم که برای اسوه‌پذیری در همهٔ عرصه‌های زندگی کمبودی نداریم. الگو قرار دادن این اسوه‌ها و تبعیت از رفتار آن‌ها که در اصطلاح «سنت»

و «سیره» نام دارد، فواید بسیاری دارد. اینکه اسوه‌های دیگری غیر از معصومین(ع) نیز در مذهب شیعه قابل تبعیت هستند، به علت پیروی این اسوه‌ها از اسوه‌هایی برتر چون ائمه(ع) و انبیاء(ع) است. بنابراین، برای نشان دادن کارآمدی دین در جامعه راه مناسب و زودبازده، عرضهٔ مفاهیم آن در قالب اسوه‌هاست که خواه‌ناخواه به کارآمدی دین منجر خواهد شد. این معرفی اسوه می‌تواند برای جوامع دیگر هم فایده داشته باشد. برای نمونه، برخی مسیحیان لبنانی یا آشوری‌های عراقی یا ارمنی‌های اصفهان و نیز هندوهای هندوستان، شیفتهٔ برخی اسوه‌های برتر اسلام مانند امام علی(ع) و امام حسین(ع) هستند. اگر برای این افراد از خوبی عدالت و مقابله با ظلم و ترویج عدل صحبت می‌کردیم، به اندازهٔ آشنا کردن آنان با اسوه‌هایی چون آن امامان هم‌اثر سریع و وسیع نمی‌گذاشت. اگر کسی اسوه‌ای مثبت را به‌طور کامل مورد اعتنای خود قرار دهد، نه تنها به سمت معروف کشیده می‌شود، بلکه از منکر هم بازداشته می‌شود. برای رفع آسیب‌های اجتماعی، معرفی اسوه‌های منفی باعث سرایت زشتی آن شخصیت‌ها به کردارشان می‌شود. لذا این هم یک گونه روش و طرز و شیوه برای از بین بردن مفاسد اخلاقی و اعتقادی است (حجت‌الاسلام الهی، خردنامهٔ همشهری).

یک تمدن با نیروی خلاقهٔ پویا، بن‌مایه‌های معنوی، استعداد نژادهایی که به آن تمدن گرویده‌اند و میراث فکری و هنری مردمانش بازآفریده می‌شود، اما افراد با نوع‌گزینشی که از این امکانات انجام می‌دهند، تمدن خود را شکوفا می‌کنند و آن را سمت‌وسو می‌بخشند. عظمت یک تمدن به این است که از بین این امکانات، بهترین انتخاب‌ها را انجام دهد و بهترین نقش تمدنی را بیافریند. به گواهی عالمان تاریخ تمدن، اسلام یکی از جهانی‌ترین و درخشان‌ترین تمدن‌های بشری بوده و هست. با اینکه محققان تاریخ‌نگار غربی و به‌ویژه مستشرقان تلاش بسیاری می‌کنند که «تمدن بزرگ اسلامی» را تمدنی پرتیر اما تاریخ‌مند و به‌عنوان میراث گذشته نشان دهند که اکنون حیات پویایی ندارد (!)، اما بی‌اغراق باید گفت، تمدن اسلامی هنوز در میان تمدن‌های موجود دامن‌گسترترین و پرحاصل‌ترین تمدن است (روزنامهٔ ایران، صفحه ۱۶).

نظام اسلامی و جامعه دینی، و به اصطلاح حیات طبیه‌ای که اسلام وعده تحقق آن را داده است، جامعه‌ای است متشکل از مجموعه افرادی که حول محور واحد (خدا محور) بسط یافته، بینش‌ها، گرایش‌ها و ارزش‌ها و باورهای خاص داشته، در پرتو ایمان، هجرت، حرکت، جهاد و مبارزه به کمک و یاری هموعان شتافته و ولایت، دوستی، سرپرستی و رهبری خدای متعال و انبیا و اولیای الهی را پذیرفته‌اند. این افراد تحت لوای فرهنگ و روش رفتاری واحد، که برگرفته از تعالیم دینی و وحیانی است، هویت واحد دینی دارند. به عبارت دیگر، این دین است که در قالب ارائه برنامه‌های مدون و در قالب معجزه جاویدان پیامبر اکرم (ص) و قرآن و آموزه‌های دینی، سلامت و سعادت زندگی دنیوی و اخروی جمعی انسان‌ها، به‌ویژه مؤمنان، را تضمین می‌کند (فولادی، ۱۳۹۲: ۵۳).

منظور از سبک زندگی اسلامی این است که تمامی گرایش‌ها، تمایلات، رفتارها، عقاید، ارزش‌ها و مجموعه تلقی‌ها، عادت‌ها، نگرش‌ها، سلیقه‌ها، معیارهای اخلاقی، اقتصادی، سیاسی و... هر فرد یا هر جامعه در زندگی فردی و خانوادگی و اجتماعی بر مبنای آموزه‌های دین اسلام و عمل بدان‌ها پایه‌ریزی شود، به‌گونه‌ای که این سبک - چنان‌که مقام معظم رهبری فرمودند، بتواند بخشی از تمدن نوین اسلامی قرار گیرد (جوکار، ۱۳۹۲: ۷۴).

مراد از «تمدن‌سازی نوین اسلامی» عبارت است از: پیشرفت همه‌جانبه مظاهر مادی و معنوی مسلمانان در دو بخش نرم‌افزاری و سخت‌افزاری، از قبیل علم، اختراع، اقتصاد، سیاست، اعتبار بین‌المللی و... و بخش نرم‌افزاری تمدن اسلامی، به‌عنوان حاکمیت «سبک زندگی اسلامی» در همه مظاهر زندگی براساس عقلانیت دینی معرفتی، عقلانیت اخلاقی حقوقی و عقلانیت ابزاری به‌منظور شکوفا کردن مادیات و دنیای مسلمانان، در جهت پیشرفت دنیوی و سعادت اخروی (اصفهان‌ی و ابوترابی، ۱۳۹۲: ۳).

### نتیجه‌گیری

مفهوم «سبک زندگی» از جمله مفاهیمی است که پژوهشگران حوزه جامعه‌شناختی و مطالعات فرهنگی آن را به‌کار می‌برند و دامنه به‌کارگیری آن در ادبیات علوم اجتماعی رواج زیادی یافته است. در حوزه مطالعات فرهنگی «سبک

زندگی» به مجموع رفتارها و الگوهای کنش‌های فرد که به ابعاد ذهنی و معنایی زندگی اجتماعی معطوف است، اطلاق می‌شود و نشان‌دهنده کم و کیف نظام باورها و کنش‌های فرد است. در نگاهی کلی می‌توان گفت: شیوه زندگی با سبک زیستن منعکس‌کننده گرایش‌ها، تمایلات، رفتارها، عقاید و ارزش‌های فرد یا جامعه است و مجموعه‌ای از طرز تلقی‌ها، عادت‌ها، نگرش‌ها، سلیقه‌ها، معیارهای اخلاقی و سطح اقتصادی، در کنار یکدیگر، طرز زندگی کردن فرد یا گروه را می‌سازد (جوکار، ۱۳۹۲، ۱۸۶: ۷۴) سبک زندگی قابل ایجاد و قابل تغییر است، زیرا نوعی انتخاب شخصی و آیین فردی است (حسین شریفی، ۱۳۹۱: ۳۰) گسست میان مبانی عقیدتی و روش زندگی ممکن است فرد و جامعه را به سمت بی‌هویتی و بلکه بی‌دینی سوق دهد. به نظر می‌رسد، عامل اصلی چالش مذکور را در فقدان شناخت و معرفت نسبت به تعامل زندگی و مبانی معرفت دینی باید جست.

درک این فهم متوقف بر فهم مفهوم سبک زندگی، بومی‌سازی آن و نحوه تعامل آن با تعالیم دینی است (فیضی، ۱۳۹۲، ج ۱: ۱۸۵: ۲۸). از آنجا که سبک زندگی هر فرد و جامعه‌ای به‌لحاظ نظری برآمده از آموزه‌های اعتقادی و ارزشی حاکم بر روح و روان اوست، کسب آگاهی‌های لازم در خصوص مفهوم سبک زندگی و باور دینی و تعامل این دو مقوله ضروری است (فیضی، ۱۳۹۲، ج ۱: ۱۸۵: ۲۸).

اسلام سبک خاصی از زندگی را ارائه و مدعی تأمین سعادت و کمال انسان در دنیا و آخرت است. اسلام دین نظام‌وار و جامع است و آموزه‌ها و احکام خود را در ابعاد ساختاری، فرهنگی و رفتاری ارائه کرده است. انسان پایبند به آموزه‌های اخلاقی و دینی از نظر اسلام، انسانی ممدوح و انسان غیر پایبند، انسانی مذموم است. جامعه دینی جامعه‌ای دین‌دور است که افراد آهنگ خود را همیشه با دین موزون کنند. جامعه دینی دغدغه دین دارد و تنها به امور فردی و عبادات و اخلاق فردی محدود نمی‌شود، بلکه باید داوری دین در همه خطوط و زوایای تمام شبکه اجتماعی نافذ باشد. جامعه دینی، جامعه خدمات‌محور و اخلاق‌مدار است، در تدبیر آن سنن الهی حاکمیت دارد، همگرا و واگرا و برخوردار از عقلانیت دینی و... است (فولادی، ۱۳۹۲، ج ۱: ۱۸۶: ۷۰).

### منابع

- اصفهان‌ی، سیدعبدالله؛ ابوترابی، محمود (۱۳۹۲). رهیافت‌ها و راهبردها در مقالات «هستمن همایش بین‌المللی پژوهش‌های قرآنی» با عنوان «قرآن کریم و تمدن اسلامی».
- جوکار، محبوبه (۱۳۹۲). «الگوی تقویت حیا در سبک زندگی». نشریه معرفت. ش ۱۸۶.
- حجت‌الاسلام محسن الهی. خردنامه همشهری. سبک - زندگی - از منظر - دین / <http://emag.saza.ir>
- حسین‌بن‌فضل‌بن‌حسن طبرسی (فرزند صاحب‌مجمع‌البیان). ترجمه عبدالرحیم عقیقی بخشایشی. دفتر اول. آداب زندگی اسلامی (ترجمه فارسی مکارم‌الاخلاق).
- حسین شریفی، احمد و همکاران (۱۳۹۱). اخلاق و سبک زندگی اسلامی. نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها. دفتر نشر معارف قم.
- دهقانی، مهدی، نصر اصفهان‌ی، احمدرضا؛ زمانی، بی‌بی‌عشرت (۱۳۸۹). ارتباط تمدن‌سازی دینی با نهضت تولید علم با نگاهی راهبردی، مجموعه مقالات تولید علم و جنبش نرم‌افزاری در حوزه معارف اسلامی، شماره ۱، ص ۱۰۴-۸۷. <http://www.noormags.com/view/fa/articlepage>
- روزنامه ایران، شماره ۵۰۲۴، به تاریخ ۱۳/۱۱/۹۰. صفحه ۱۶ (تمدن اسلامی) <http://salar.blogfa.com>
- شهید مرتضی مطهری (۱۳۸۰). احیای تفکر اسلامی. چاپ نوزدهم.
- شهید مرتضی مطهری (۱۳۹۰). هدف زندگی. چاپ چهاردهم. صدرا. تهران.
- شهید مرتضی مطهری. سری در نهج البلاغه.
- علاءالدین، محمدرضا. (۱۳۹۲). ملاک‌های زندگی اسلامی از منظر قرآن و روایات (سبک زندگی قرآنی ۲). فصل‌نامه قرآنی کوثر. سال سیزدهم. شماره ۴۶: ۵۵-۳۹. <http://www.noormags.com/view/fa/articlepage>
- فولادی، محمد (۱۳۹۲). «سبک زندگی دینی جامعه و انسان دینی». نشریه معرفت. ش ۱۸۶.
- فیضی، مجتبی (۱۳۹۲). «درآمدی بر سبک زندگی». نشریه معرفت. ش ۱۸۵.
- نبی‌اللهی، علی (۱۳۹۱). «جوان و سبک زندگی مطلوب از دیدگاه قرآن». مجله مطالعات جوان و رسانه. ش ۸. <http://www.noormags.com/view/fa/articlepage>
- ولایتی، کریم (۱۳۸۱). «قش دین در ایجاد و تدوام تمدن». نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی تبریز. پاییز و زمستان ۱۳۸۱. شماره‌های ۱۸۶ و ۱۸۴ (علمی و پژوهشی): ۳۰۳-۳۳۵. <http://www.noormags.com/view/fa/articlepage>
۱۶. <http://www.blogfa.com/http://mashkat>